

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Arts & Music

afgazad@gmail.com

هنر و موسیقی

بهرام رحمانی
۲۰ اگست ۲۰۲۲

فلم‌های ضدجنگ اهمیت تاریخی و اجتماعی دارند!

جشنواره سینمای ایران در تبعید به مدیریت حسن مهینی، دو سال است که علاوه بر برگزاری روتین جشنواره سینمای ایران در تبعید، سنمای ضدجنگ را نیز برگزار می‌کند. امروز این سینمای در گوتنبرگ سویدن آغاز شده است.

«جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - سویدن برگزار می‌کند:

دوره دوم فلم فوروم ضد جنگ

Antikrigs filmforum 2: a upplaga

فلم - سخنرانی - موزیک - شعر- بحث و گفتگو

۱۹ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۲ - گوتنبرگ - سویدن»

بیانیه کامل این فوروم را در ضمیمه همین مطلب بخوانید. همچنین دوره اول فلم فوروم ضدجنگ نیز به همراه این مطلب آمده است.

این اقدام حسین مهینی، اقدامی برزنده و از جنبه انسان‌شناسی و هنر بسیار حائز اهمیت است. چرا که هدف ایشان و همکارانش صرفاً نشان دادن فلم نیست بلکه هدف آن‌ها توجه افکار عمومی بر علیه جنگ و ویران‌گری و نابودی بشریت است.

در اولین مواجهه‌مان با رویدادی نظیر جنگ تصویری هولناک در ذهن‌مان شکل می‌گیرد. عموماً جنگ با نیستی همراه است. نیستی از آن جهت که این رویداد منجر به نیستی می‌شود؛ خواه کسی کشته شود و یا مکانی تخریب شود. این رویداد، نه تنها به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، بلکه از نظر فلسفی و اخلاقی نیز اهمیت به‌سزایی در میان متفکران و اندیشمندان دارد. مرگ به‌عنوان یکی از نتایج آشکار و مستقیم این رویداد مورد توجه فیلسوفان بسیاری قرار گرفته است؛ هر چند که تلقی هر یک از آنان از این رویداد متفاوت است. همین تأثیر بالقوه جنگ در تأثیرگذاری و برانگیختن احساسات و عواطف در مدیومی دیگر نظیر سینما نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در تاریخ سینما شاهد آثار بی‌شماری بوده‌ایم که هر کدام به‌نحوی این رویداد را به تصویر کشیده‌اند. متأسفانه بسیاری از آن‌ها مشوق این رویدادند و این حمایت و جانب‌داری آشکارا در آن‌ها به چشم می‌آید. برای مثال، سینمای تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

تحت عنوان «سینمای مقدس جنگی» این فیلم‌هایی هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به جنگ حقانیت می‌بخشند و آن را ضروری می‌دانند.

بسیاری از فیلم‌های سینمای ایران در چهار دهه گذشته، در فهرست فیلم‌های جنگی قرار می‌گیرند که هنرپیشه‌ها لباس نظامی می‌پوشند و در جنگ‌ها، به ویژه جنگ ایران و عراق ایفای نقش می‌کنند.

حکومت اسلامی نام این فیلم‌ها را «دفاع مقدس» گذاشته تا مسقیما جنگ را تبلیغ و ترویج کنند. در این راستا، ما یک نسل راوی جنگ داریم که خودشان در آن فضا زیست کرده‌اند و نسل دیگری داریم که توامان با جنگ نبودند یعنی ممکن است در آن نسل زیست نکرده باشند اما تحت تاثیر آن فضا بوده‌اند.

یک بخش مهم فیلم‌ها ساخته شده توسط سینمای حکومت اسلامی، همواره تبلیغ‌گر جنگ است. شما در این فیلم‌ها، وقتی شخصیت هنرپیشه را می‌بینید می‌خواهید اسلحه بگیرید و به جنگ بروید. کاراکترهای ایدئولوژیک، برای نسلی که از ایدئولوژی حاکمیت‌شان دفاع می‌کند چنین فیلم‌هایی جذابیت دارد، انگیزه به‌وجود می‌آورد و نکته همین جاست؛ فیلم یک پوزیشن دارد که می‌گوید من طرفدار جنگ هستم. اما وقتی وارد چنین فیلمی می‌شوید جذابیت‌هایی را تعریف می‌کند که حتی در ناخودآگاه مخاطب نیز به جنگ علاقه‌مند می‌شود.

در چنین روندی کودکان و نوجوانان بیش‌تر از همه، به جنگ رغبت نشان می‌دهند... آن خشونت‌های جنگ و زخمی‌ها و مرده‌ها همه چهره‌های زشت این فیلم‌های جنگی هستند.

نیروهای نظامی و جنگی حکومت اسلامی هنوز هم در جنگ‌های موسوم به جنگ‌های نیابتی، یعنی در جنگ‌های داخلی سوریه، لبنان، عراق، یمن و... حضور فعال و علنی دارند. بنابراین حکومت اسلامی پس از پایان جنگ ایران و عراق جنگ‌های دیگری در منطقه راه انداخته است. بنابراین، برای چنین حکومت سینمای جنگی و تبلیغ جنگ بسیار مهم‌تر است. هنوز هم جنگ و وجه جنگ مابین نیروهای سپاهی و بسیجی وسیعاً وجود دارد. تبلیغ جنگ، تجاوز و افکار خشونت‌طلبانه‌ای که صورت زشت دارد، اما در ادبیات حکومت اسلامی ریشه عمیق دوانده است.

در چنین موقعیتی سینمای ضدجنگ اهمیت به سزایی پیدا می‌کند و جایگاه صلح و انسان‌دوستی و ادبیات خاص خود را پیدا می‌کند.

در چهار دهه اخیر، برخی کارگردانان قدیم و جدید تلاش کرده‌اند تا دوران «دفاع مقدس» و اثرات آن را به مخاطب نشان دهند. فیلم‌های بی‌شماری درباره دفاع مقدس ساخته شده و با حمایت دولت‌ها و نهادهای اسلامی این فیلم‌ها در سطح وسیعی منتشر شده‌اند.

برای مثال، ابراهیم حاتومی‌کیا، شناخته‌شده‌ترین فیلم‌ساز سینمای دفاع مقدس حکومت اسلامی است که هرچند فیلم‌های متفاوتی ساخته، اما همیشه پیوندی میان هر فیلم و قهرمانش با سینمای دفاع مقدس وجود دارد. حاتومی‌کیا را می‌توان یکی از نزدیک‌ترین فیلم‌سازان به حکومت و زبان رسمی حکومت اسلامی ایران در عرصه سینما دانست.

رسول ملاقلی‌پور کارگردان، هم مانند حاتومی‌کیا همواره نسبیتی را (مستقیم یا غیر مستقیم) میان فیلم‌ها و قهرمانانش با سال‌های جنگ حفظ می‌کند و روی آن تاکید می‌ورزد. البته این ویژگی مشترک این دو فیلم‌ساز در گذار از سینمای دفاع مقدس است.

سید مرتضی آوینی، یا کامران آوینی را می‌توان خاص‌ترین فیلم‌ساز سینمای جنگی و دفاع مقدس دانست.

احمدرضا درویش، در سینمای ایران به دلیل مهارتش در تکنیک فیلم‌سازی شناخته شده است. او بعد از ساخت سه فیلم آخرین پرواز، ابلیس و آذرخش، با فیلم چهارمش کیمیا در جشنواره فجر سال ۱۳۷۴ معروف‌تر شد. کیمیا یکی از اولین نمونه‌های فیلم پسا جنگ سینمای ایران است.

از جمله فلمسازان نسل جدیدتری که عموم وقت و فرصت‌های خود را صرف ساخت آثاری کرده که یا در دل جنگ می‌گذرند یا در سال‌های بعد از آن. اما در فلم‌هایی هم که قصه در زمان جنگ تعریف نمی‌شود، جنگ حضوری مستقیم دارد و تم اصلی ماجرا را تشکیل می‌دهد و یک عنصر ضمنی نیست.

مسعود ده نمکی، معرف همه هست. او از ۱۶ سالگی تا ۱۹ سالگی را در جبهه‌های جنگ گذراند. در دهه ۷۰ از اعضای فعال انصار حزب‌الله و یکی از چماق‌داران معروف حکومت بود و در همان زمان به‌عنوان روزنامه‌نگار در نشریه یالثارات و به‌عنوان سردبیر و مدیرمسئول در هفته‌نامه‌های شلمچه و جبهه و ماهنامه صبح دوکوه فعالیت داشت.

او، دو فلم مستند ساخت و سپس هم‌زمان با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد موفق به ساخت فلم‌های سینمایی اخراجی‌ها (سه‌گانه) شد. این فلم‌ها در میان طنز و خنده، سینمای جنگی را تبلیغ و ترویج می‌کند. حکومت بر روی این سه بخش فلم جنگی ده نمکی سرمایه‌گذاری کلانی کرده بود.

...

همچنین رویدادهای مربوط به جنگ جهانی اول و دوم از جمله در ایران و نتایج اجتماعی و سیاسی آن، همواره مورد توجه هنرمندان و نویسندگان ایرانی معاصر بوده است.

در این میان، سینمای ضدجنگ، چند دهه است که ساخت فلم‌های تاریخی با موضوع جهان در جنگ جهانی اول و دوم را تجربه می‌کند. این تلاش‌ها سعی دارند نخست با تحلیل رابطه سینما و تاریخ، ویژگی‌های پژوهشی این نوع آثار سینمایی و چگونگی دستیابی به‌نوعی تحلیل تاریخی به کمک سینما را تشریح کند. سپس به‌بررسی محتوایی فلم‌های تاریخی مربوط به جنگ جهانی اول و دوم پرداخته و ویژگی‌های مفهومی آن‌ها را بررسی کند.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که موضوع جهان در جنگ‌ها، به‌ویژه جنگ جهانی اول و دوم در سینما موضوعی فراموش شده نباشد که در دوره حکومت اسلامی و پس از هشت سال جنگ خانمان‌سوز ایران و عراق، به ابزار بیانی مهم برای تبیین و تبلیغ و ترویج جنگ‌طلبی جنگ تحت عنوان «جنگ مقدس» و بیگانه‌ستیزی ایرانی تبدیل شده است. این نوع رویکرد به‌دلایل ایدئولوژیک و با تاکید بر برخی از موضوعات سینمای جنگی در جهت سیاست‌های حاکمیت، به‌شدت خطرناک است و تاثیر زیان‌باری بر افکار عمومی جامعه، به‌ویژه نیروی جوان می‌گذارد.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای از طریق انتقال از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد. بنابراین، تداوم هر جامعه‌ای در گرو جریان انتقال فرهنگی در آن جامعه است. رسانه‌های دیداری و شنیداری به‌عنوان یکی از عوامل قدرت‌مند در جامعه‌پذیری نسل جوان امروز نقش موثری ایفاء می‌کنند. در بین رسانه‌های دیداری و شنیداری نقش سینما به‌دلیل نفوذ آن بسیار مهم است.

جنگ علاوه اشغال، قحطی، ویرانی، قربانیان بی‌شماری از جوامع جنگ‌زده به‌ویژه از کودکان و زنان می‌گیرد. وجود شکاف میان واقعیت و آنچه در رسانه‌ها ارائه می‌شود، سبب شده تلاش‌های بسیاری برای توصیف و تبیین چگونگی و چرایی شکل‌گیری سینمای ضدجنگ جهان صورت گیرد. در سایه این تلاش‌ها، امروزه بازنمایی رسانه‌ای به مفهومی بنیادین در مطالعات فرهنگی و

میان جنگ و کارخانه‌های تولید سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی معادله مستقیم وجود دارد و هر دو نیازمند همدیگر هستند. یعنی بدون جنگ کارخانه‌ها اسلحه‌سازی از کار باز می‌ماند بنابراین، برای فروش اسلحه، نیاز مبرمی به جنگ وجود دارد.

برخی نویسندگان «سینما و رسانه‌های جنگی آمریکا» تلاش کرده‌اند تا در این اثر خود به وجود ارتباط‌های مالی، گسترده پنتاگون با شرکت‌های تولیدکننده بازی‌های جنگی اشاره کنند.

در چند دهه گذشته و به‌ویژه پس از پایان جنگ ویتنام ارتش آمریکا جاپای محکمی برای خود در ساختارهای فرهنگی این کشور اشغال کرده است. هم‌اکنون یک ائتلاف واقعی میان هالیوود، پنتاگون، بازی‌های ویدئویی جنگی و صنعت اسلحه‌سازی به وجود آمده است. این چهار ضلع تشکیل‌دهنده این ائتلاف برای یکدیگر سودآوری قابل‌توجهی دارند و از یکدیگر حمایت ایدئولوژیکی به‌عمل می‌آورند. در این میان، هیچ‌یک از ژانرهای سینمایی دیگر به اندازه ژانر فلم‌های جنگی نمی‌تواند تضادهای موجود در جامعه آمریکا از جمله انگاره‌هایی همچون طبقه اجتماعی، سیاست، ایدئولوژی اجتماعی و اقتصادی را تبیین کند.

به‌عنوان نمونه، آن‌ها به این موضوع اشاره می‌کنند که پنتاگون سال ۲۰۱۰ قراردادهایی را با شرکت‌های تولیدکننده بازی‌های ویدئویی امضاء کرد تا از این راه نسلی از بازی‌کنندگان را جذب ارتش کنند و یا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، سازندگان بازی‌هایی همچون فراخوان خدمت و مدال افتخار تلاش می‌کنند تا عملیات‌های نیروهای ویژه آمریکا را در سرتا سر جهان به تصویر بکشند. یکی از نکته‌های قابل توجه در این کتاب اشاره به آخرین سخنرانی آیزن‌هاور از روسای جمهور آمریکا در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۷ و هشدار وی در خصوص شکل‌گیری کنسرسیوم نظامی و صنعتی و به خطر افتادن فرایندهای دموکراتیک در آمریکا است.

به گفته و نوشته برخی نویسندگان، با گذشت پنجاه سال از این سخنرانی مهم هم‌اکنون چهار پایه دیگر به این کنسرسیوم اضافه شده است: صنعت سرگرم‌کننده فلم‌ها، تلویزیون و بازی‌های ویدئویی؛ کنگره؛ صنعت اسلحه‌سازی داخلی و ظهور اتاق‌های فکر که بیشتر محافظه‌کار هستند.

همچنین به راهبرد رهبران آمریکا در دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی شوروی در خصوص چگونگی شروع و حضور در یک جنگ و جذب نیرو و همچنین بیانیه راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ در دولت بوش، اشاره می‌شود که به‌موجب آن به صراحت یک جدول زمانی امپریالیستی جدید برای نخستین بار از سوی اتاق فکر پروژه قرن نوین آمریکا مطرح شد. این اتاق فکر در هشت سال دوره ریاست جمهوری بوش و حمله به عراق را در سال ۲۰۰۳ نادیده گرفت. مدیران این اتاق فکر صحبت از قرنی به میان می‌آورند که در آن استیلای آمریکا مبتنی بر نیروی نظامی پایهریزی می‌شود و هیچ مانعی نیز نمی‌تواند سد راه آن شود.

یکی دیگر از تاکیدات نویسندگان مترقی آمریکایی، اشاره به فلم‌های مستند ساخته شده پیرامون جنگ‌های افغانستان و عراق است. تسلط چند کمپانی بزرگ بر صنعت سینمای آمریکا اجازه نمی‌دهد تا فلم‌های مستقل بتوانند مخاطب خاص خود را جذب کنند.

در واقع، به هر میزان که فلم‌های ضدجنگ، ایدئولوژی ماشین جنگی را به چالش می‌کشند، امکان دیده شدن گسترده آن‌ها دشوارتر می‌شود. انتشار این فلم‌ها در اینترنت نیز نمی‌تواند تضمینی برای جذب مخاطب فراوان باشد.

فلم‌های بسیاری به آثار فاجعه‌آمیز جنگ‌های افغانستان و عراق بر سربازهای اعزام شده به این جنگ‌ها پرداخته‌اند و در بسیاری از این آثار، موضوع‌هایی همچون طبقه اجتماعی یا نژاد سربازهایی که به خانه بازگشته‌اند مورد توجه قرار گرفته است. مستند زمانی که به خانه آمدم، یکی از آثار سینمایی قوی درباره سربازهایی است که از جنگ عراق بازگشته‌اند. دن لوهاس کارگردانی این فلم را بر عهده دارد. فلم او مورد تایید ۱۴ گروه از کهنه‌سربازها قرار گرفت. گروه‌هایی از جمله کهنه سربازهای سپاه‌پوست خواهان عدالت اجتماعی، اتحاد ملی برای کهنه‌سربازهای بی‌خانمان، کهنه سربازهای جنگ عراق بر ضد جنگ، بنیاد ملی کهنه‌سربازها، عملیات کرامت، گروه تبدیل شمشیر به داس (این

اصطلاح به معنای استفاده از ادوات جنگی به ابزاری برای استفاده غیر نظامی است) از مهمترین گروه‌هایی بودند که از این فلم حمایت کردند. در زمان اکران این فلم مستند در سال ۲۰۰۶، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کهنه سربازهای جنگ عراقی بی‌خانمان بودند.

به گفته نویسنده کتاب فلم مستند «زمانی که به خانه برگشتم» در نوع خود فلمی بی‌همتا است؛ زیرا بر پیامدهای داخلی جنگ بر سربازهای طبقه کارگر به ویژه رنگین‌پوست‌ها تمرکز می‌کند. (کتاب «سینما و رسانه‌های جنگی آمریکا» نوشته پاتریسیا کیتون و پیتر شکنر، توسط علیرضا ثمودی پبلرود و فواد ایزدی به فارسی برگردانده شده و منتشر شده است این کتاب یکی از کتاب‌های خواندنی است که ماهیت مخرب جنگ را به خوبی نشان می‌دهد).

ضرورت دارد که در پایان تاکید کنم اهمیت ابتکار جدید حسین مهینی و همکارانش، در اینجا برجسته‌تر می‌گردد که به نمایش و بررسی فلم‌های ضدجنگ تولیدشده، می‌پردازند. آن‌هم پس از جنگ اخیر روسیه علیه اوکراین و تاثیر آن بر زیست و زندگی شهروندان جهان با گران‌تر شدن مایحتاج ضروری مردم و بنزین و برق و غیره، همچنین نگرانی از احتمال گسترش این جنگ ویران‌گر، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. متأسفانه بعید نیست که این جنگ با دخالت ناتو و در راس همه هیأت حاکمه آمریکا، فجایع انسانی و اقتصادی جنگ‌های اول و دوم جهانی و یا در ابعاد کوچک‌تر از آن‌ها را تکرار کنند و جهان بشری و طبیعت را با سلاح کشتار جمعی از جمله اتومی، به خاک و خون بکشند. برای حسین مهینی و همکارانش در پیش‌برد اهداف انسانی‌شان در عرصه سینما، تندرستی و شادابی و موفقیت آروز می‌کنم!

جمعه بیست و هشتم مرداد-اسد- ۱۴۰۱ - نوزدهم اگست ۲۰۲۲

ضمیمه:



جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سویدن برگزار می‌کند:

دوره دوم فلم فوروم ضد جنگ

Antikrigs filmforum 2: a upplaga

فلم - سخنرانی - موزیک - شعر - بحث و گفتگو

۱۹ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۲ – گوتنبرگ – سویدن

بعد از آغاز جنگ اوکراین در ۲۴ فروری ۲۰۲۲، در بستر شرایط نابسامان جنگی و شدت گرفتن نظامی‌گری و کشتار مردم بی دفاع، ضرورت برخورد مسئولانه با این وضعیت غیرانسانی پیش آمد. فلم فوروم ضد جنگ به عنوان یک امکان عملی، یک صحنه (گردهمایی) آزاد و مستقل در ماه مه ۲۰۲۲ تشکیل داد تا با اتکا به توانایی تاثیرگذار هنر سینما و دیگر هنرهای بصری و ادبیات، در راستای تقویت جبهه مردمی ضد جنگ و صلح پایدار فعالیت کند. اولین کوشش این جریان با برگزاری برنامه‌ی سه روزه نمایش فلم، شعرخوانی، موسیقی و سخنرانی در روزهای بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم ماه مه برگزار شد.

اما متأسفانه با گذشت زمان، تلاش‌ها و صداها مدافعان صلح به جایی نرسید و بلوک‌های جنگ سالار بر شدت جنگ افزودند. پیوستن کشور سویدن به پیمان جنگی ناتو و تعهد رسمی این کشور به مشارکت فعال در تمامی برنامه‌ریزی‌ها و عملیات نظامی ناتو، حتی عملیات تولید، ذخیره و به کارگیری سلاح‌های اتمی، دامنه جنگ را گسترش داد. با تقویت تقسیم جهان به بلوک‌های نظامی متخاصم و تسلیح نظامی لجام گسیخته کشورها در راستای منافع صنایع نظامی، چشم انداز هراسناکی از قربانی شدن مردم، تخریب محیط زیست و تشدید بحران‌های پناهندگی برای وجدان‌های بیدار مطرح می‌شود.

شرایط پیش آمده تداوم کار فلم فوروم ضد جنگ و برگزاری دوره دوم آن را ضروری کرده‌است. این دوره با هدف پرداختن به محورهای زیر برنامه ریزی شده‌است.

پیش آمدهای گسترش جنگ؛ تهدید فروپاشی محیط زیستی، جنگ هسته‌ای و نابودی بشریت
تقویت افکار عمومی در سویدن در راستای بازپس‌گیری درخواست عضویت این کشور از پیمان جنگی ناتو
دعوت عمومی از مردم در جهان به فاصله گرفتن از اتحادهای نظامی، کاهش تنش‌ها و تقویت جبهه‌ی مشترک مبارزه برای صلح و پایداری در جهت فراهم نمودن امکان زندگی صلح‌آمیز، امنیت و سلامت عمومی و رفاه همگانی
گرامی‌داشت یاد قربانیان بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی که در ماه اوت ۱۹۴۵ میلادی توسط دولت آمریکا صورت گرفت، به عنوان فاجعه فراموش نشدنی تاریخ بشری.

برنامه‌ها:

سخنرانی

کارین اوتاس کارلسون (Karin Uta Karlsson) دبیر کمیته صلح سویدن؛ بنیانگذار خانه صلح و استاد پژوهشهای صلح.

موضوع سخنرانی: صلح با ابزار صلح‌آمیز؛ سلاح‌های اتمی

علی فیاض، نویسنده

موضوع سخنرانی: جنگ و حقوق بشر

برندت ساندبری (Berndt Sandberg)، عضو گروه مبارزان علیه عضویت سویدن در ناتو

موضوع سخنرانی: چرا باید علیه ناتو!

توماس ماگنوسون (Tomas Magnusson)، از کمیته صلح و داوری سویدن، رهبر شبکه جهانی سازمان‌های صلح،

Peace Bureau، با ۳۰۰ واحدهای عضو در ۷۰ کشور

موضوع سخنرانی: تحریک‌های جنگ‌طلبانه باید خاتمه پیدا کند

- موسیقی

اونو نیلسون (Uno Nilsson)، ترانه و موزیک
روزا موآبرینل، (Rosa Moa Brynnel)، ترانه و موزیک
جعفر کاویانی، موزیک موسیقی جنوب غربی ایران

فلم

دکتر استرنج لاو یا: چگونه من یاد گرفتم که دیگر نگران نباشم و بمب را دوست داشته باشم. ساخته استنلی کوبریک (

[Stanley Kubrick](#))

طنز سیاه – درباره احتمال جنگ هسته ای

باران سیاه – از کشور ژاپن. ساخته شوئی ایمامورا (Shohei Imamura)

درامی تکان دهنده از چگونگی زندگی خانواده‌ای در حومه هیروشیما در میان قربانیان بمباران اتمی

حکم نورنبرگ ساخته استنلی کرامر (Stanley Kramer)

درامی درباره دادگاه جنایت‌کاران جنگی بعد از جنگ جهانی دوم در نورنبرگ؛ در آغاز جنگ سرد و کنکاش‌های پشت پرده دادگاه که غربی‌ها تلاش می‌کنند تا با تأثیرگذاری در دادگاه، و تعدیل احکام آلمانی‌ها ؛ آن‌ها را برای بلوک خود در آینده حفظ کرده و در برابر اتحاد شوروی بکار بگیرند. فلمی فوق العاده جستجوگرانه و متفاوت.

- توجه برنامه‌ها به زبان سوئدنی است.

- زمان برنامه‌ها : جمعه ۱۹ اوت – از ساعت ۱۸.۳۰ تا ساعت ۱۳.۰۰

شنبه ۲۰ اوت – از ساعت ۱۸.۳۰ تا ساعت ۱۳.۰۰

یکشنبه ۲۱ اوت – از ساعت ۱۳.۳۰ تا ساعت ۱۵.۰۰

ورود برای عموم آزاد

این برنامه با حمایت اتحادیه آموزشی سندیکا های کارگران سوئد ABF برگزار می شود.

برای اطلاعات بیشتر با دفتر جشنواره تماس گرفته شود: info@exilefilmfestival.com